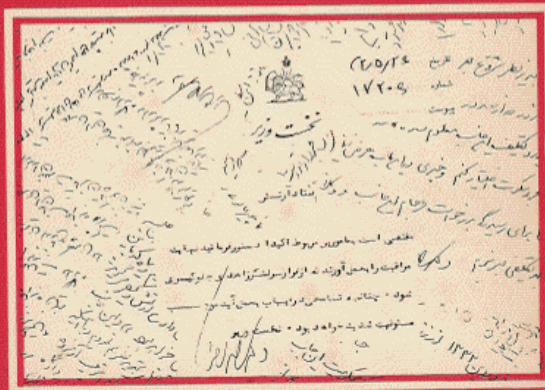


۱۳۳

م. دهنوی : چند سند منتشر نشده از دکتر محمد مصدق

چند سند منتشر نشده از :

دکتر محمد مصدق



م. دهنوی

"... این دادگاه بهیچ وجه من الوجوه صالح نیست و من اکنون می‌خواهم از روی حقیقتی پرده برگیرم و آن اینست که در طول تاریخ مشروطیت ایران این اولین باری است که یک نخست‌وزیر قانونی را بحبس و بند می‌کشند و روی کرسی اتهام می‌نشانند و برای شخص من خوب روشن است چرا این طور شده ولی من می‌خواهم قاطبه ملت ایران و بخصوص طبقه جوان و تحصیل کرده که چشم و چراغ مملکت و پایه امید این مملکت هستند نیز علت این سخت‌گیری و شدت عمل را بدانند و از راهی که برای طرد نفوذ استعماری بیگانگان پیش گرفته‌اند منحرف نشوند و از مشکلاتی که در پیش دارند نهراسند و از راه حق و حقیقت منحرف نشوند بمن گناهان زیادی نسبت دادند و من میدانم یک گناه بیشتر نکرده‌ام و آن اینست که تسلیم تمایلات خارجیان نشده و دست آنان را از منابع ملی کشور کوتاه کردم..."

از سخنان دکتر محمد مصدق در مقابل بیدادگاه نظامی شاه





"بنام خدا"

در چهاردهمین سالگرد ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ و آغاز سومین سالگرد برقراری جمهوری اسلامی ایران رهبری امام امت آیت‌الله العظمی امام خمینی، چند سند منتشر شده از پیشوای نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق را به پویندگان راه آزادی و استقلال تقدیم نموده، وحدت هرچه بیشتر ملت در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و عواملش و همچنین ساختن ایران اسلامی آزاد و مستقل و پیشرو را در پرتو وحدت آرمان و رهبری از درگاه ایزد منان خواستاریم. در سخن از دکتر مصدق بهتر آن دیده شد تا پاره‌ای از نظریات سه تن از شهدای اسلام و ایران: ابودر زمان "پدر طالقانی"، معلم شهید انقلاب دکتر علی‌شریعتی و مجاهد شهید سعید محسن را بعنوان پیشگفتار در آغاز بیآوریم.



ص ۶ لازم بتذکر نیست که پس از کودتا گروهی ورود شاه فراری به ایران را تبریک گفته و از کودتای آمریکائی - انگلیسی ننگین ۲۸ مرداد بعنوان " نهضت ۲۸ مرداد " و "قیام ملی " یاد کرده و با دولتهای دست نشانده بیگانه و غیرقانونی پس از کودتا همکاری و گروهی نیز سکوت اختیار کردند . در آن ایام تیره و تاریک پرچم مبارزه با امپریالیسم و عواملش را تنها دکتر مصدق و پیروان صدیق او و مشتاقان استقلال ایران برافراشته نگاه داشتند .

دکتر مصدق به همین جرم پس از کودتا سه سال را در زندان و بقیه عمر پر برکت و پرافتخارش را در تبعید گذراند .

بر او درود !



نخست وزیر

تاریخ ۲۹/۵/۲۹

شماره ۱۷۲۰۹

پیوست

ستاد آرتش

مقتضی است با مورین مربوط اکیدا دستور فرمایید نهایت
 مراقبت را بعمل آورند که از فرار سرلشکرزاهد و جلوگیری
 نمود ، چنانچه تماسی در این باب بعمل آید موجب
 مسئولیت شده خواهد بود . نخست وزیر

(Handwritten signature)



تاریخ: ۳۲/۵/۲۶

شماره: ۱۷۲۰۶

پیوست:

نخست وزیر
سناد ارتش

مقتضی است بمامورین مربوطه اکیدا" دستور فرمائید نهایت مراقبت را بعمل آورند که از فرار سرنسکر زاهدی جلوگیری شود. چنانچه تسامحی در اینباب بعمل آید موجب مسئولیت شدید خواهد بود.

نخست وزیر
دکتر محمد مصدق



چند سند منتشر نشده از

۱۷

صبح دوشنبه نهم شهریور ماه ۱۳۳۲

هیئت محترم وزیران

دیشب برای اولین بار پس از توقیف از رادیو اطاق مجاور شنیده شد که این جانب اقدامات خلاف قانونی بعمل آورده یا در صدد چنین اقداماتی بوده‌ام .

این جانب در مدت تصدی خود جز برای پیشرفت نهضت ملی ایران و جز برطبق قانون و اختیارات قانونی قدمی برنداشته‌ام و اگر فرصتی بدست افتاد جواب این اتهامات با دلایل آن بعرض ملت ایران خواهد رسید ولی از جواب یک اتهام در این جا ناگزیرم زیرا تأخیر جواب آن بمصلحت کشور نیست و آن اینکه در رادیو گفته شد این جانب در صدد تغییر رژیم بوده‌ام و دلیل آن هم دستور تهیه مراجعہ بآراء عمومی است این اتهام ناروا و این استدلال کاملاً بی اساس است زیرا دلایل قویہ در دست است که نه این جانب در صدد تغییر رژیم بوده و نه مراجعہ بآراء عمومی برای تغییر رژیم بوده است امیدوارم جلسه محاکمہ‌ای که بآن در رادیو اشاره شده بود در محکمہ صالحہ بزودی تشکیل شود تا اگر امر بر عده قلیلی از مردم ایران هم مشتبه شده باشد آن اشتباهات رفع شود .

دکتر محمد مصدق



ششم بهم هر میزاد ۱۳۳۲

بیت قسم در بیان

دیش برار روین با برسی از زرقیف زرد و طغان مکار در شیده شیده چای چای
 خدغه تاوزه بهر که مرده یا در صد و خسی آهرا تا مرده ام
 اینها به دریا به بعد از خود خوار شرف نهفت با ارباب و خورشید
 تاوزه قدری بر شهادت و گدا فرستاده است آرد حوا - ای ایها که در این
 ملت از آن خود را بر دانی از حوا - که ایها که در این
 مصلحت گویند زان که در را در کفش شده اینها - رست در
 بیخ از در میان تو و در با سه بر صده آباد خرمی آید - ای ایها که در
 استلال کا که به ایها - زود از زود مردم در است - زود از زود مردم
 تغیر رژیم بودم در هر چه آید از تو من تو تغیر رژیم کرده ام
 علیه ما که از آن در را در را رسد در در مکه علیه ما که در
 تا اگر در صده علی از مردم ایران و مبتدی به ایران
 دکتر محمد مصدق



امضا کننده ذیل دکتر محمد مصدق که در مقام نخست وزیر ایران بر اثر کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوسیله قوای نظامی دستگیر شده و زندانی هستم و در یک دادگاه نظامی غیرقانونی و بدون صلاحیت تحت محاکمه میباشم وکیل نمودم آقایان محترم علی شهیدزاده و بهرام مجدزاده و حسن صدر وکلای دادگستری را متفقاً "یا منفرداً" برای درخواست فرجام نسبت بهر قرار و حکمی که برخلاف قانون از دادگاه نظامی غیرقانونی بر علیه این جانب صادر شود و برای تهیه و تقدیم لایحه اعتراضات فرجامی و بیان کلیه ایرادات مربوطه بغیر قانونی بودن دادگاه و عدم صلاحیت آن و اعتراضات مربوطه بجریان محاکمه و صدور حکم و قرارداد بطورکلی هرگونه ایراد و اعتراض قانونی و قضائی و برای تعقیب امر در دیوان عالی کشور تا خاتمه رسیدگی فرجامی - چنانچه دادگاه دیگری بعنوان دادگاه تجدیدنظر که قطعاً "وقهراً" غیرقانونی خواهد بود برای محاکمه این جانب تشکیل شود آقایان محترم حسن صدر و بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده نیز از طرف این جانب وکالت دارند که بعنوان وکیل مدافع در آن دادگاه تجدیدنظر غیرقانونی شرکت فرموده و با کلیه اختیارات لازمه قانونی از این جانب دفاع نمایند .

بیست و نهم آذرماه ۱۳۳۲

دکتر محمد مصدق



اصحاحنامه دیر دکتر محمد مصدق - دعای نجات زوری ایران برادر زوری نظامی

۲۸ مرداد ۱۳۲۲ بر سبیل قرآن نظامی رسیگرنده روزنامه اتم و دینیک دلا نظامی خوانده در این

صحت تحت ممالک میاشم و کین بودم این کرم علی بنید زاده دهرام محمد زاده حسن

منقلاً از سفره برای رجوعت فرجام نیت بهر قراداد عکس و حذف تاریخ اول مرداد ۱۳۲۲

این جانب صادر نمود و برای تهیه و تعمیم دیدم عقوبات فرجامی بیان کلیه ایرادات بر طرف

دارگاه و عدم صحت آن عقوبات بر طرف بحران ماکه و صدور حکم و قرار و تطبیق آن

تا نوبت قضای و بر تعلق امور و در آن حال که تا حدت رسیدگی فرجامی به حکم دارگاه

اعتماد دارگاه بکمر نظر و قطعاً و قهراً غیر قانونی خواهد بود برابر ماکه این جانب

حسن صدور دهرام محمد زاده و علی بنید زاده نیز از طرف این جانب کاتب دارگاه

بیت زینم دوره ۱۳۲۲ دهنوی



زندان لشکر ۲ زرهی ۱۷ اسفند ۱۳۳۲

تیسمار سرلشکر جوادی ریاست محترم دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر

در سیام آذرماه که حکم محکومیت این جانب در دادگاه غیرقانونی فوق‌العاده قرائت شد در همان جلسه در حکم مزبور درخواست فرجام نمودم و روز ۳ دیماه هم که باین جانب تکلیف تجدیدنظر شد تقاضای تجدیدنظر هم باین شرط که مانع رسیدگی فرجامی نشود بعمل آمد ولی دیوان کشور که برطبق درخواست وکلای این جانب پرونده را برای رسیدگی فرجامی خواست آقای سرتیپ آزموده در نهم دیماه بدیوان کشور جواب نگاشت که از ارسال پرونده بواسطه ضرورت آن در دادگاه معذور است و این یک ظلم فاحشی بود که در حق این جانب روا داشت :

(۱) بیرونده احتیاج فوری نبود چون که دادگاه روز ۴ بهمن شروع بقرائت آن نمود .

(۲) درخواست فرجام در ۳۰ آذر شده بود و درخواست تجدیدنظر در سوم دیماه در اینصورت فرجام بتجدیدنظر حق تقدم داشت خصوصاً اینکه تقاضای تجدیدنظر باین شرط شده بود که مانع رسیدگی فرجامی نشود .

(۳) دیوان کشور و دادگاه تجدیدنظر هر دو باید در صلاحیت دادگاه بدوی یا فوق‌العاده رسیدگی کنند و محل تردید نیست دیوان کشور که صلاحیت آن محرز است بدادگاه تجدیدنظر که صلاحیت خود آن محل حرف و مورد اعتراض است اولویت داشت .

(۴) درخواست فرجام از نظر مسایل قانونی از جمله قانونی نبودن تشکیل و عدم صلاحیت بود رسیدگی باین مسائل مقدم است بر رسیدگی در



ماهیت که در تجدیدنظر رسیدگی میشود چنانچه دیوان کشور نظر می داد که دادگاه نظامی برای محاکمه این جانب صالح نیست موضوع منتفی بود و هیچ چیز ایجاب نمی کرد که دادگاه تجدیدنظر هم مثل دادگاه بدوی یا فوق العاده مرا برخلاف قانون مدتی در حبس مجرد معذب بدارد .

با تمام این دلایل چون در جرائد میخواندم که ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر و تیمساران دادرسان میخواهند که در این دادگاه رأی عادلانه و منصفانه بدهند و باین لحاظ پرونده را با دقت مطالعه می نمایند از ۴ بهمن که دادگاه تجدیدنظر شروع بقرائت پرونده نمود منتظر بودم هرچه زودتر تکلیف این جانب را معلوم فرمایند ولی تا امروز که صدور رأی محکومیت متجاوز از ۷۵ روز و از قرائت پرونده متجاوز از ۴۰ روز می گذرد تکلیف این جانب معلوم نشده و کاسه حوصله و صبرم لبریز گردیده است و بیش از این نتوانستم در حبس مجرد سکوت اختیار کنم و چیزی در این باب عرض ننمایم این است که از آن تیمسار تمنا مینمایم پرونده امر را برای رسیدگی بدرخواست فرجام این جانب و وکلایم بدیوان کشور بفرستند تا بیش از این در حال بلا تکلیفی بسر نبرم .

دکتر محمد مصدق



روزان کنگره نری ۱۷ شهانه ۱۳۳۲

تیمار دکتر جوادی ریاست محترم دادگاه بزرگ تهران نظر

در حال عدم کورده حکم محکومیت این جانب در دادگاه بزرگ تهران فوق العاده نظامی در وقت شرف
 در زمان سید زین العابدین زین العابدین در روز ۳ به ۴ صبح یکشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۳۲
 تمبر نظر را این شرط در این ریاست بزرگ تهران در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف
 برابر سید زین العابدین زین العابدین در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف
 ضرورت آن در دادگاه بزرگ تهران ریاست محترم در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف :

(۱) بر رویه صلاح فرود نبود چون در دادگاه روز ۴ به ۵ صبح شروع به وقت آن نبود
 (۲) درخواست فحاشی در ۳۰ آورده بود در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف
 فحاشی تمبر نظر حق تقدم داشت خصوصاً اینکه تقاضای تمبر نظر این شرط شده بود در وقت شرف در وقت شرف
 (۳) دیوان کورده در دادگاه بزرگ تهران در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف
 کورده است دیوان کورده در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف
 اعتراض است اولویت داشت در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف
 (۴) درخواست فحاشی در نظر این مورد در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف
 در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف
 حال آنکه فحاشی متعلق بود به ریاست محترم در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف
 مراعات عدل قانونی در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف در وقت شرف



با تمام این دلایل چون در جرائد میخوانیم در استعماریان درگاه بکر نظر است و این
 میخوانند در ریاح درگاه را در عادی و مصفا نه در لیدر و این لحاظ بر روزی را با است
 در علم بهین درگاه بکر نظر شروع تعریف بر روزی نور منظر بودم هر روز در
 مسلم و نیز ولایت امروزه از در در را حکومتی متباز در ۷۵ در در در است
 از ۳۰ در در گذرد کتلف اعجاب معلوم شد که ما سه محصله محرم لبریز گردید است
 ترانیم در جس بود سکوت عیار کنیم و خبری در ریاح عرض تمام است در این
 بر روز امر را برای رسیدگی برخواست و تمام اعجاب در کلام بر زبان بر
 و حال مدد کتلفی بر بنام دکتر دهنوی



۱۴ فروردین ۱۳۳۳ از زندان لشکر ۲ زرهی

جناب آقای سرلشکر عبدالله هدایت وزیر دفاع ملی

در سی ام آذرماه گذشته که حکم محکومیت این جانب از دادگاه بدوی نظامی صادر شد بلافاصله در همان جلسه تقاضای فرجام نمودم و وکلای این جانب هم از دیوان کشور درخواست نمودند ولی روز سوم دیماه که باین جانب تکلیف شد تقاضای تجدیدنظر کنم نظر باینکه ماده ۲۳۲ قانون دادرسی ارتش و کیفر می گوید: "درخواست تجدیدنظر موجب توقیف اجرای حکم دادگاه بدوی خواهد بود" و این جانب تا رسیدگی دیوان کشور از حبس مجرد که برایم غیرقابل تحمل بود خلاص می شدم تقاضای تجدیدنظر هم نمودم و با اینکه دادگاه تجدیدنظر تا روز چهارم بهمن ماه شروع بقرائت پرونده نکرده بود آقای سرتیپ آزموده دادستان غیرقانونی ارتش از ارسال پرونده بدیوان کشور باین عذر که پرونده مورد احتیاج دادگاه تجدیدنظر است خودداری نمود و دیوان کشور نتوانست وارد رسیدگی فرجامی شود و دادگاه تجدیدنظر هم تا روز ۲۷ اسفندماه یعنی قریب سه ماه مرا بر خلاف قانون در حبس مجرد بلاتکلیف گذاشت که روز مزبور تصمیم گرفتم دیگر غذا نخورم و جان خود را از ظلم و ستم این دستگاه خلاص نمایم که بعد از ظهر آن روز آقای سرتیپ آزموده که هیچ نمیخواستم او را به بینم غفلتا" با تاqm وارد شده و اظهار نمود که این جانب در نتیجه مرض جنونی که عارضم شده غذا نمیخورم و گفت بدستهای شما دستبند میزنم و شما را روانه تیمارستان



از طرف است در حقیقت همواره در نظامی ایران به دست این جانب آمد و در قول داد که بعد از
انجام این عملیات سید تقی را که از کتک شد در تکلیف این جانب را سلم کند و در عین حال که در آن
فروردین در بهار شهر میانه بر کتک حواری رئیس دادگاه غیر قانونی تبریک نظر راجع این موضوع سخن اظهار
نمودند که لا اقل تحت عنوان در شرح داد و درح با آن زمان قضاوت برده است به هنوز ظاهر
نگردید ایم با این حسب برنده را خوانند پس قضاوت کرد دادگاه هنوز این مطالعه را تمام نکرده است
از این الطمأنینه شرح محاکمه سلم نیست این است شرح واقعه لازم شد که قضاوت این جانب
مصادف خود در این کار است و بسته گیرم
اگر این عرض می کند که بلا تکلیفی این جانب از این نظریست که چون می بیند محض مجروح در دست
خارج است و در هر جهت طوری ظاهر شده از سال بیسی خارج و عصبانی شدم و آن وقت در دادگاه
گفته که اگر با عذر خود را این مردم آن را بچگونگی نیست و در این باره این نگاه این
هم این در دادگاه غیر قانونی بیست و هفت نفر در محکم شده ام و از امر این نگاه این ادوات فرضه ملی
سین به ایرات ختم بر نوزده است بوده قبضه مال عمده تر فرات است همان کجی که من متولی
مادر آن مردم است و جیام که قرون رسمی را در دست می با تا فرما که کند مال تر فرات این مردم
این کتک با نوزده این در زبان عدوان بر نوزده در آن این نگاه که در دست فقط تر کار کرد
نگاه مستعد است در آن در آن نگاه است آنها را این نگاه تر که در این نگاه لازم است عرض کنم که نگاه
به نگاه است است این در علیه تر است سابق گفت بوده نیز در نگاه و در آن خواب این نگاه
نگاه در آن بوده که بر سر در آن در آن آورده تمام را برده اند و در آن این نگاه به شکر است که این
نگاه در آن نگاه خود با مردم تصفیه کنم دیگر نیست تا مردم تکلیف اولاد در دست سلم حال
نگاه که در آن نگاه مردم تر است و در آن نگاه غیر این نگاه که در آن نگاه
نگاه در آن نگاه که این نگاه تر است که در آن نگاه این نگاه مردم تر است
نگاه در آن نگاه خود را در این در این نگاه تر است که در آن نگاه
نگاه در آن نگاه بر طرح تصفیه بر کتک حواری رئیس دادگاه غیر قانونی
دکتر دهنوی



۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۳ از زندان لشکر ۲ زرهی
 تیمسار سرلشکر جوادی رئیس محترم دادگاه غیرقانونی
 تجدیدنظر فوق العاده نظامی

آقایان حسن صدر و علی شهیدزاده وکلای مدافع اینجانب برای درخواست اجازه شرکت در جلسات محاکمه تجدیدنظر که روز ۱۹ فروردین ماه شروع میشود روز ۱۵ فروردین لایحه‌ای بدفتر دادگاه تجدیدنظر رسانیده‌اند که سرکار سرهنگ شاکری منشی دادگاه بدستور آن تیمسار از قبول آن امتناع نموده‌اند .

اینک یک نسخه از لایحه مزبور بدینوسیله تقدیم میشود و برطبق همان دلایل و جهاتی که در آن لایحه و لایحه سابق ایشان بتفصیل توضیح داده شده مقتضی است اجازه فرمایند وکلای مذکور برای دفاع از این جانب و انجام وظیفه‌ای که بعهدده آنان محول نموده‌ام در جلسات دادگاه شرکت نمایند .

در این لوایح در کمال وضوح ثابت شده که جلوگیری از دفاع وکلای دادگستری در محاکم نظامی بهیچوجه پایه و اساس قانونی ندارد و بنابراین اگر بر وکلای این جانب اجازه شرکت و دفاع داده نشود حق دفاع این جانب صریحا" سلب شده و بر هزاران خلاف قانون که تاکنون نسبت باین جانب اعمال شده این خلاف قانون نیز علاوه شده است .

با این حال اگر آن دادگاه باز اجازه دفاع بوکلای این جانب ندهند بطوریکه خود آنان در خاتمه لایحه خود تقاضا کرده‌اند مقتضی است بعنوان مشاور اجازه ورود بدادگاه داده شود تا مانند سایر حضار در جلسات دادگاه حضور بهم رسانند و در مواقع تنفس مورد شور این جانب واقع شوند .

دکتر مصدق



۱۷ فروردین ۱۳۲۳ روزنامه کنگره نوی

میتا در گفتارهای رئیس محترم دادگاه محترموند بکبره نظر من از این نظر است
 آقایان جناب صدر و ریاض همیشه داده کلهای مزاج این جانب برای در خواست شماره حرکت در
 محاکمه بکبره نظر من در ۱۹ فروردین به شروع مورد روز ۱۵ فروردین لایحه ای بفرستاد
 تبیین نظر سابقه اندک که کار از هر یک شکری نش دادگاه بر سر آن بر آید و از قول آن
 نیکو یک نسخه اندک فروردین بفرستاد تقسیم مورد در طی همان روز چند روز
 دلایلی است این تقاضای ترضیح داده شده تقاضای شماره زمین کلهای آن در این
 این جانب در تمام طیفه از همه آن محول نموده ام عدالت دادگاه حرکت
 در این اطلاع در کمال خروج ثابت شده در حدی که در این دادگاه در این
 هیچ وجه باید و است قانون را در برابر این اگر بکلهای این جانب شماره حرکت در داده
 حق مزاج این جانب صریحاً سلب شده و بهر آن در این عدالت قانونی است این
 شده این عدالت قانونی نیز علاوه بر آن است
 با این حال اگر آن دادگاه از جانب مزاج بکلهای این جانب نماند بطوریکه
 خود تا شنا کرده اند تقاضای ترضیح در شماره در دادگاه دادگاه در این
 دادگاه حاضر بجز این در در این تقاضای مورد خود این جانب در این روز در کنگره